



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۱۹



عبدالقیوم میرزاده

ملت

منافع ملی

دولت – ملت

در افغانستان

به ادامه گذشته (قسمت نهم)

و اما مسئله زبان:

زبان به مثابه یک عمل فرهنگی عبارت از وسیله ایی است برای انتقال پیام از یک جانب به جانب دیگر که در روابط انسانها و دول نقش بسزایی را ایفا میکند. به قول ادوارد ساپیر Sapir مشهور ترین دانشمند در تاریخ انسان شناسی و زبان شناسی ۱۸۸۴-۱۹۳۹ (.....زبان ابزار ذاتاً بی نقصی برای بیان پیام و برقراری ارتباط در جوامع شناخته شده است.....).

در دراز مننه زنده گی انسان در روی زمین گویش ها و اصوات مختلفی را بیان داشته اند که گروه هایی بزرگی از مردم به آن وسیله با هم پیام تبادل می کردند و همین را در جامعه شناسی و یا زبان شناسی امروز بنام خانواده زبانی یاد میکنند و در سیر تاریخ بشر خانواده های زبانی فراوانی در جهان پدید آمده که عده آن عبارت اند از:

هند و اروپایی

چینی تبتی

ترکی

جاپانی

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

اورال آلتایی

آفریقایی آسیایی

آستروآزیایی

بالو سیرین

بانتو

دراویدی

قققازی و غیره میباشد. که هریک از این خانواده های زبانی متشکل از ده ها و صد ها زبان معین دیگر میباشند بطور مثال خانواده زبانی هند اروپایی از ۴۴۶ زبان متشکل میباشد و حدود سه ونیم میلیارد نفر در جهان به این زبانها تکلم میکنند.

قسمت اعظم زبانهای رایج کشور ما افغانستان شامل خانواده زبانی هند و اروپایی میباشد. و در جوامع مختلف در نظامنامه ها و قوانین کشوری شان گویش عمومی خویش را بنامهای زبان ملی، زبان مادری، زبان رسمی، زبان دولتی ویا زبان مشترک نامگذاری کرده اند، گرچه در علم زبان

شناسی برای هر کدام تعاریف جداگانه ارایه شده ولی همه همه صرف بمنظور افهام وتفہیم سهل و آسان میان مردمان یک سرزمین میباشد.

با این توضیح مختصر در باره زبان بایبست متذکر شد که زبان هیچگاه به تنهایی معرف هویت ملی نیست، به عقل قاصر این قلم تا حال هیچ جامعه شناسی تاکیدی بر این امر نداشته است بر عکس هستند مردمانی بسیاری در این کره خاکی ما که زبان مشترک دارند ولی ملت واحد نیستند. مانند ملل عربی زبان شمال افریقا و شرق میانه، با وصف صرف بودجه های میلیاردی که در راستای پان عربیسم صرف گردیده و میگردد با آنکه دین ومذهب مشترک هم دارند ملت واحد نشدند زیرا جغرافیای مشترک وتعلقات فرهنگی مشترک ندارند البته اگر متن سیاسی مسئله را در نظر بگیریم، مردمان ایالات متحده امریکا و انگلستان بزبان انگلیسی تکلم میکنند ولی ملت واحد نیستند، همچنان مردمان آیرلند و اسکاتلند با آنکه بزبان انگلیسی تکلم میکنند هیچگاه خود را انگلیس نمیشمارند و ملت انگلیس نیستند، با آنکه دولت انگلیس که دعوی امپراطوری جهان را هم داشت در طول صد ها سال با صرف همه توان مادی ومعنوی اش وجنگهای خانمانسوز و زور سرنیزه در این راه تا کنون موفق نگردیده است تا مردمان آیرلند و اسکاتلند را بزور سر نیزه ملت انگلیس سازند. ملل اسپانوی زبان امریکای مرکزی وجنوبی با آنکه قرن ها بزبان اسپانوی تکلم میکنند ولی هرگز ملت واحد نیستند. اما هستند ملت های بزرگ و پر از افتخاراتی که به چندین زبان تکلم دارند و دارای اعتقادات مذهبی مختلف اند اما خود را به یک ملت واحد متعلق میدانند. مردمان هندوستان به بیش از ۱۵۰۰ زبان تکلم دارند و هزاران خاستگاه اعتقادی دارند ولی همه هویت هندی داشته و خود را ملت پر افتخار هند شمرده و کلمه مقدس زنده باد هند (جی هند) سلام صبح وشام هر هندی است. در کشور چین با آنکه مردم متعلق به شش خانواده بزرگ زبانی میباشند و دارای اعتقادات مذهبی متفاوت اند ولی خود را ملت چین میدانند. همچنان کشور های مشابه بیشمار دیگری هم در جهان وجود دارند که با وصف تکلم بزبان های متنوع و ملت واحد زیر درفش پر افتخار کشور هایشان ملت شانرا سرافراز نگهداشته اند.

با این توضیح مختصر در میابیم که زبان به تنهایی نمیتواند شرط تعریف وزیر ساخت یک ملت باشد. بناً مردمان یک محدوده جغرافیایی میتوانند بزبان های مختلف تکلم کنند ولی یک ملت واحد باشند. در شرایط حاضر کشور عزیز مان افغانستان سوگمنده عده ددمنش کوتاه فکر یا بنابر احساسات نا سالم قومی و محلی و یا در تحت پروژه های تفرقه افکنانه استخبارات کشور های خارجی به مسئله زبان مخصوصا زبان دری و پشتو دامن زده و دارند انقطاب جدیدی را بر مردم بیچاره و بیخبر ما تحمیل میکنند. هر دو طرف خود را مظلوم عنوان کرده و آن دیگر را ظالم و غاصب

زبان و مکان خویش قلمداد میکنند. هردو طرف با حيله و تدوير ذهنيت عامه را مغشوش ساخته ارقام و اعداد خود ساخته و خود بافته ويا اينکه ارقامی را در تباتی با مربيان خارجی شان تهيه و تدوين کرده و از اين طريق بر مردم بيخبر تأثير گزاري کرده وگوينده گان یک زبان را بر عليه ديگر ميشورانند، اين شيطان صفتان سیه دل که از اين همه خونريزی وکشتار، جنگهای خانمانسوز چهار دهه اخير که باعث تخریب قریب کل کشور گردید و ميليون ها فرزند اين وطن کشته، معيوب و مهاجر و بيجا گردید درس عبرت نگرفته باز هم مردم را به یک جنگ و خانه خرابی ديگر سوق ميدهند. در حالیکه هيچ یک از ترس هایي را که اين شيطان صفتان هردو جناح ارايه میکنند حقيقت نداشته و فقط و فقط با سو استفاده از کرده ها ونا کرده های عده استفاده جو و يا سياستمداران نا خلف چون خودشان مردم را فريب داده و عده را در دام تزوير خویش گرفتار ساخته اند. مردمان اين سرزمين گوينده گان زبان های مختلف از مشرق تا مغرب و از شمال تا جنوب هزاران سال در کنار هم زنده گی کردند و دوشادوش هم کار کردند و هيچگاه برتر و ابتر در میان نبود. همه با هم چون برادر و برابر در همه امور زنده گی سياسی، اجتماعی و اقتصادی فعالانه سهم داشتند واز آن بهره ميبردند. از دید اين نا بکاران نوکر منش به يکباره اين همه زنده گی مشترک جایش را به خصومت و عداوت داد وگوينده گان زبان های مختلف رادر مقابل هم قرار دادند، وضع را در میان مردم طوری حاد ساخته اند که با تأسف عده کوتاه نگر در فراگیری زبان های خارجی مخصوصاً زبان انگلیسی در رقابت شديد با همدیگر پرداخته ولی در برابر یک واژه زبان مردم کشورش البته غير از زبان خودش حساسيت فراوان بخرچ داده ونا سرحد تظاهرات قهرآمیز که به کشتن و زخمی شدن منجر گردید پيش رفتند. اين نابکاران کوتاه فکر دارند مسئله زبان و ملیت را به تراژیدی بزرگی در کشور تبديل میکنند و از اين طريق مردم را به جان هم انداخته و آب به آسیاب دشمن ميریزند.

در اینجا قابل ذکر پنداشته میشود که دوشادوش هم و برادر گونه زنده گی کردن مردم که من در اين نوشتار بار بار اذهان میدارم به هيچوجه به اين معنی نيست که همين اکنون در اداره کشور و سيستم سياسی حاکم عدالت اجتماعی و توزيع عادلانه ثروت و قدرت جريان دارد و هم هيچگاه به اين مفهوم افاده نگردد که حکومت های استبدادی و ضد مردمی در کشور ما حاکم نبوده است ويا هم افرادی در حکومت ها از طريق ظلم و تعدی بالای مردم حکومت و زراندوزی نکرده اند. با تأسف مزيد بايد گفت که سراسر تاريخ کشور ما تا همين اکنون حاکمان خون خوار، سيستم های سياسی ظالم و ضد مردمی، دزدان و قطاع الطریقان، قاچاق بران، زور گویان زیر نام پير، پيشوا، قوماندان، مجاهد، ملک، رئيس، مشر قومی و نا بکاران فراوانی بوده و هستند که مردم بيچاره ما را بدون در نظر داشت اینکه به کدام زبان تکلم میکنند چاپيده اند و ثروت و دارایی همه کشور را به تاراج برده اند آنها حساب و کتاب نکرده اند که حق پشتو زبان ويا دری زبان را جدا کرده و آن قسمت ديگر را به يغما برده باشند. اما بایست مردم مشترکاً عليه بی عدالتی، ظلم، نا برابری، زورگویی، قطاع الطریقی، سرقت دارایی عامه و ساير نا برابری های سياسی، اجتماعی و اقتصادی بر طبق قوانين کشور و با در نظر داشت منافع ملی، تمامیت ارضی و سلامت ساختار سياسی کشور به مبارزه برخیزند. هر سنگ و خشت جديد برای اعمار وطن بالای سنگها و خشت های مانده شده گذاشته شود نه اینکه چون سیه دلان افراطی مذهبی که بدستور دشمنان کشور محبوب ما افغانستان در اوایل دهه نود به کشور هجوم برده شهر ها را ويران و همه داشته های آن را به تاراج بردند زیر نام اینکه (ما آنرا با قدسیت از نو میسازیم) شرمساری همه تاريخ را کمای کردند. نباید آنچه آباد است را خراب کرد به خيال واهی اینکه از نوآباد میکنیم. منظور من از آنچه آباد است کشور، تاسيسات آن، سيستم اداره و حکومت و تمام داشته های مادی و معنوی میباشد.

نه تنها مسئله زبان بلکه ده ها و صد ها موارد و آسيب های ديگری اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سياسی است که بنا بر نبود روحیه همدلی، تساند، با همی، زنده گی مشترک، کار مشترک، نبود فهم و درک از منافع ملی کشور ما را دچار آسيب های بزرگ اجتماعی و سياسی گردانیده است.

طوريکه در مباحث قبلی بيان کردیم راه برون رفت از اين چالش و مخصصه همانا باسواد سازی همه مردم و بلند بردن سطح آگاهی مردم و اطلاع رسانی مستدام به مردم در باره تمام رویداد های ملی و بين المللی مخصوصاً آنچه به سرنوشت مردم ما تأثير داشته باشد، تا مردم قدرت تشخيص و تفکيک بهتر پيدا کنند و درکی از منافع ملی داشته باشند.

آنچه در پروسه ملت شدن و یا فرآیند دولت ملی از اهمیت فوق العاده برخوردار است همانا اشتراکات و جودی مردمان سرزمین ما میباشد، این اشتراکات و جودی در زنده گی مردم بایست آنقدر زیاد و با اهمیت باشد تا مردم خود را از یکدیگر دانسته و ضرر آن دیگر را ضرر خود بدانند تا این اشتراکات برای همه مردم امکان زیست با همی را در کران تا کران کشور میسر گرداند و همین زیست با همی زمینه ساز ایجاد دولت - ملت البته با شیوه های دموکراتیک گشته و این دولت - ملت یا بهتر بگوییم دولت مردم در پرتو این اشتراکات و جودی بایست به قوم، قبیله، مذهب، حزب و یا گروه مربوط نبوده و از میان خود مردم سر برون کرده باشد. که این دولت باور و توان این را داشته باشد تا تمام ثروت و قدرت کشور را در میان همه مردم بدون در نظر داشت خاستگاه اتنیک، محلی و باور های مذهبی آنها توزیع متداوم کند و نه همچو شرایط موجود کشور ما که حدود دو دهه اخیر قدرت در دست گروپ خاص مافیایی محکم نگهداشته شده است گویا در این کشور با وصف ده ها هزار افراد دارای تحصیلات عالی قحط الرجال است. البته که دولت - ملت یا هر دولتی از طریق همین توزیع ثروت و قدرت در میان همه مردم از مشروعیت لازم برخوردار میگردد و یا در غیر آن مشروعیت خویش را در میان مردم از دست میدهد. که همین عدم حمایت مردم از دولت یا حکومت پایه های آنرا لرزان کرده و عامل بحرانهای داخلی میگردد و در صورت آشفتگی مناسبات بین المللی زمینه ساز مداخلات خارجی را نیز فراهم میگرداند. در شرایط حاضر کشور ما که بحران های متداوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را پشت سر گذاشتیم و وضعیت در حال حاضر در زیر نفوذ قوت های خارجی و دست باز کشور های همسایه در همه امور کشور ما وضع آنقدر وخیم گردیده است که با در نظر داشت این آشفتگی بازار سیاسی داخلی و مداخلات مستمر خارجی بهتر خواهد بود تا در گامهای نخستین برای رسیدن به مرحله دولت - ملت با درک بزرگ از منافع ملی همه مردم همکاری و همیاری کنند تا ما صاحب یک دولت مقتدر که از پوتانسیل بزرگ اداره و تأمین امنیت سراسری و دفاع مستحکم از سرحدات اش را داشته باشد گردیم. تا زیر سایه نفوذ این دولت مقتدر سراسری جلو نفوذ خارجی ها و اعمال داخلی شان گرفته شده و با تأمین امنیت سراسری بتواند آزادی های مردم را تأمین و تضمین کند، آنگاه است که مردم میتوانند در زیر چتر حفاظتی و امنیت سراسری آزادی های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بدست آورده و آنگاه است که مطالبات شانرا میتوانند با شیوه های پذیرفته شده در چوکات قانون و نورم های حقوق بشری مطرح کنند و با شیوه های دیموکراتیک برای رسیدن به این مطالبات اقدامات عملی را رویدست گیرند.

به قول ماکس وبر ۱۸۶۴ - ۱۹۲۰ تاریخ دان، جامعه شناس و سیاست مدار آلمانی " مردم آزادی شان را با تضمین تأمین امنیت با دولت شان معامله میکنند" یعنی اگر امنیت در کشور تأمین شد

آنگاه است که جامعه مدنی هم آزاد میگردد. یعنی تمام امور اجتماعی و فرهنگی بعد از تأمین امنیت مفهوم پیدا میکنند. پس بایست همه مردم همه ای آنها بیکه سنگ وطن دوستی به سینه میزنند دست بدست هم بدهند تا یک دولت مستحکم و مقتدر در کشور ایجاد گردد و این دولت مقتدر حاکمیت قانون را در سراسر کشور بدون در نظر داشت مصلحت ها برقرار سازد و همه مردم در زیر چتر قانونیت و عدالت قرار بگیرند. نه اینکه هر کدام برخاسته در پی سرنگونی این دولت و آن حکومت بوده و با ارایه دلایل موجه و نا موجه مردم را بغرض اغراض شخصی اش فریب داده و روپوش دایه مهربانتر از مادر برای مردم بصورت گرفته و مردم و کشور را به مخاصمت و دشمنی بیشتر سوق میدهند. در آنصورت است که ما به منزل آزادی، حقوق شهروندی و مساوات میرسیم. به گفته ماکس وبر " دولت عبارت است از حق انحصاری استفاده مشروع از قدرت فیزیکی در داخل سرزمین مشخص میباشد" یعنی باید دولت بر طبق موازین این حق انحصاری یا قرارداد اجتماعی نا نوشته خود با مردم برای تأمین قانونیت در سراسر کشور با لای همه مردم بصورت یکسان استفاده اعظمی کند تا به این ترتیب حکومت قانون ایجاد شده و مردم از این دولت حمایت کرده و مشروعیت کسب کند. در اینجا باید تصریح کنم که دولت قدرتمند و توانا را مردمان با تجربه قدرتمند و توانا با افکار وطن دوستانه ملی بدون تعصبات زبانی، نژادی و مذهبی میتوانند اداره و رهبری کنند که در هر نوع شرایط بحران داخلی، منطقی و بین المللی و مداخلات خارجی توانایی اداره کشور را داشته و تصامیم هدفمند و مؤثر در پرتو منافع ملی اتخاذ بدارد. در اینجا نقش مردم و جامعه مدنی بسیار از اهمیت برخوردار میباشد، اقتدار دولت از حمایت مردم و جامعه مدنی مایه میگیرد، حمایت مردم و جامعه مدنی از دولت امریست ضروری و لازمی. تجربه تاریخی کشور ما بصراحت اذعان میدارد آنها بیکه افکار مخرب تضعیف و یا براندازی دولت را در سر میپوراندند در حقیقت گور خود

را میکنند، آنکه این موجود را تخریب و تضعیف میکند فردا خودش تخریب و تضعیف می‌گردد، بر اندازی دولت موجود مستقیماً متناسب است با بر اندازی دولت بعدی تاراج و بربادی کشور و نابودی تمام زیر ساخت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرزمین ما. (پایان قسمت نهم)

ادامه دارد

د پانوی شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ